

بررسی رابطه زنان با مهدویت و جریانات فکری فمینسم

مینا حبیب‌نیا^۱

مهدی مکانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹، صفحه ۱۰۹ تا ۱۳۰ (مقاله پژوهشی)

چکیده

اظهار ارادت به حضرت مهدی (عج) از یک سو نیازمند شناخت آن وجود مقدس و از سوی دیگر مستلزم شناخت خویشتن و مسئولیت‌ها و وظایفی است که برعهده‌ی انسان‌هاست در این راه، شناخت و آگاهی کافی نیست بلکه اقدام عملی نیز لازم است. بی شک ویژگی‌های شخصیتی زنان با سپردن مسئولیت فرزندآوری و تربیت نسل از سوی خداوند متعال به آن‌ها بی ارتباط نیست و اگر در روایات آماده شدن افراد جامعه برای پذیرش حکومت جهانی حضرت مهدی آمده است بی تردید نسل مؤمن و آماده، بدون ایفای نقش زنان به عنوان تربیت کنندگان این نسل سخنی دور از واقع است فمینسم هویت زنان را با حربه‌های فریبنده‌ای چون اشتغال و فعالیت‌های اجتماعی با راهکارهایی مثل سقط جنین و آزادی‌های نامحدود جنسی، زنان را برده‌ی هواهای نفسانی مردان قرار دادند نتیجه نهضت زنان در غرب چیزی جز بحران خانواده و بحران مادری نبوده است این پژوهش ترویجی با هدف بررسی ارتباط زنان در دوران مهدویت و جریانات تفکرات فمینسم مورد مطالعه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مهدویت، انتظار، زنان، تفکرات فمینسم.

۱. گروه پرستاری، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران (نویسنده مسئول):

mina.habibnia2014@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

mehdimakani9799@gmail.com

مهدویت از مفاهیمی است که در طول تاریخ همواره راه نجات از ظلم و ستم بوده است، چرا که عدالت مهدوی اقتضا می‌کند که مسلمانان در برابر ظلم و ستم ایستادگی کنند. برای پی بردن به این اندیشه نیازمندیم تا به واکاوی مفهوم مهدویت و معانی گوناگون آن پرداخته شود. مهدویت اندیشه و باوری است که مورد پذیرش و اعتقاد همه مسلمانان بوده و به عنوان یک حقیقت دینی - اسلامی قلمداد می‌شود. مهدویت در اسلام از مفاهیمی است که می‌توان در ابعاد گوناگون به آن نگریست. اما قبل از پرداختن به ابعاد گوناگون اندیشه مهدوی باید به مفهوم‌شناسی مهدویت پرداخته شود. مهدویت یعنی معتقد بودن به وجود مهدی (عج). گاهی نسبت بیش از این حیث لحاظ می‌شود؛ یعنی رفتار هم رفتار مهدی‌پسند باشد یا رفتاری باشد که از او اخذ و الهام گرفته شده باشد. مهدویت در اصطلاح یعنی روش، رفتار، فکر و عقیده‌ای که به حضرت مهدی (عج) انتساب داشته باشد. پس مهدویت یعنی معتقد بودن به وجود حضرت مهدی (عج) و طریقه و یا رفتاری که منتسب به اعتقاد و باور به حضرت مهدی (عج) باشد، مهدویت گفته می‌شود. (عمید، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۳۳) زمینه سازی و آمادگی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات، بیان گر اهمیت نقش مردان و زنان مؤمن است (ابراهیم شفيعی سروستانی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۶ - ۱۸۰، با تلخیص)

زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، منتظران راستینی هستند که در انتظار حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف روز شماری می‌کنند و در این زمینه، جنسیت معنایی ندارد؛ تنها تفاوت، به چگونگی کارایی هر یک از مردان و زنان برمی‌گردد. در نظام اسلامی، زن و مرد از نظر حقیقت وجودی یکسان هستند و ملاک برتری انسان‌ها در تقواست (محمدری شهری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۸۴). چنان که خداوند می‌فرماید: «گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست» «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» و معیار پاداش انسان‌ها بر اساس عمل صالح است و تفاوتی بین زن و مرد نمی‌باشد. هم‌چنین در جای دیگری می‌فرماید: «و هر کس کار شایسته کند - چه مرد باشد یا زن - در حالی که ایمان داشته باشد، در نتیجه آن داخل بهشت می‌شود (نُ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ)

صرف نظر از حقیقت وجودی انسان‌ها، نمی‌توان تفاوت‌های ظاهری و جسمی و روانی مرد و زن را نادیده گرفت. هر یک طبق نظام خلقت، دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشند؛ بنابراین قراردادن هر یک در جایگاه صحیح خود موجب رشد و شکوفایی آنها می‌گردد. آشنایی با وظایف منتظران واقعی و عمل به آنها در سطح افراد و جامعه، موجب اصلاح جامعه می‌گردد و مقدمات ظهور را مهیا می‌سازد و آگاهی لازم را در پیروان و یاران راستین او فراهم می‌آورد. بنابراین وظیفه هر مسلمان مدعی،

حمایت ولایت است که با وظایف خود آشنا گردد و درصدد عمل به آنها برآید. در بعضی روایات آمده است که برخی زنان مانند مردان اولین کسانی هستند که گرد امام جمع شده و باحضرت بیعت میکنند. امام باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا! سیصد و اندی نفر بدون وعده پیشین گرد میآیند و میان آنها پنجاه زن است (بحارالانوار، ۱۳۱۵ق، ج ۵۲، ص ۲۲۳).

برپایه بعضی روایات نقش زنان در زمان حضور به نقش زنان در زمان پیامبر(ص) تشبیه شده است. (بیان الائمه، ۱۹۴۴-م، ج ۳، ص ۳۳۸، به نقل از نجم الدین طوسی، همان، ص ۶۹). در بعضی روایات دیگر تصریح شده است که زنان در بخش درمان و بهداشت مشغول فعالیت هستند. امام صادق(ع) فرمود: همراه حضرت سیزده زن هستند... زخمیها را مداوا میکنند و از بیماران پرستاری مینمایند؛ هم چنان که همراه رسول خدا بودند. (دلائل الامامه، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵۹). در بعضی روایات دیگر حتی اسامی تعدادی از زنان بیان شده است که در حکومت و قیام امام زمان(ع) نقش میآفرینند (خصائص فاطمیه، ۱۳۸۰، ص ۳۴۳، به نقل از نجم الدین طوسی، همان، ص ۷۰). نقش زنان در عصر ظهور به علت جایگاه ویژه آنها در خانواده نقشی بی بدیل است. بنابراین، آگاهی آنها از نقشهای خاصشان در عرصه خانواده و جامعه میتواند زمینه ساز پرورش نسلی بامسئولیت و پρανگیزه شود.

سعی جنبشهای فمینیستی به ظاهر در مبارزه برای حقوق زنان است؛ از جمله این حقوق حق رای، حق کار، حق کار دولتی، درآمد یکسان، پرداختی برابر میان زنان و مردان و از بین بردن فاصله موجود در این مسئله، حق مالکیت، حق تحصیل، حق امضای قرارداد، حقوق برابر در ازدواج و حق مرخصی زایمان است. فمینیستها همچنین برای یکپارچه سازی اجتماعی و تضمین حق سقط جنین قانونی برای زنان تلاش کرده اند. از دیگر اهداف آنان محافظت از زنان و دختران در برابر تجاوز جنسی، آزار جنسی و خشونت خانگی است (اچولس، آلیس، ۱۹۸۹-م) و تغییر در نوع پوشش و نوع نگاه جامعه به فعالیت های فیزیکی نیز معمولاً بخشی از جنبش های فمینیستی بوده است (روبرتس جاکوب، ۲۰۱۷-م).

برخی از محققان، فمینیسم را محرک اصلی تغییرات اجتماعی برای حقوق زنان در طول تاریخ می دانند؛ این موضوع به خصوص در غرب پررنگ تر است؛ جایی که این جنبش را تا حد زیادی زمینه ساز دستیابی به حق رای زنان، زبان فراگیر، حقوق باروری) شامل دسترسی به راه های پیشگیری از بارداری و سقط جنین قانونی، حق امضای قرارداد و مالکیت می شناسند (مسیر-دویدو، الین ۲۰۰۲-م) با وجود اینکه تمرکز اصلی فمینیسم بر روی حقوق زنان است، برخی فمینیستها مانند بل هوکس محدودیت در آزادی های مردان را بخشی از اهداف خود می دانند؛ زیرا باور دارند مردان نیز

از نقش‌های سنتی جنسیتی آسیب می‌بینند (هوکس بل، ۲۰۰۰) نظریه فمینیست، که از دل جنبش‌های فمینیستی برخاسته، به دنبال درک ماهیت نابرابری جنسیتی با استفاده از تجزیه و تحلیل نقش اجتماعی زنان و تجربه زندگی آنان است. (چودورو، نانسی، ۱۹۸۹-م).

فمینیسم یک گرایش و مکتب واحد نیست. فمینیستها به این سوال که اساساً چرا وضع زنان چنین است و راه حل آن چگونه است، پاسخ واحدی ارائه نداده‌اند. از نظر اخلاقی فمینیستها دارای یک ایده و سبک واحد نبودند، صور فمینیسم هم با اعتلا و ارتقای عفت و پاکدامنی و هم با ایجاد روابط جنسی آزاد پیوند داشته است. فمینیسم همانند بیشتر ایدئولوژیها تداخل‌ها و ناهماهنگی‌هایی در ارزشهای بنیادین خویش دارد، که این مسائل باعث ظهور گرایشها و مکاتب متعدد در درون فمینیستها می‌گردد.

طرح مسأله

انتظار در اصطلاح «مهدویت»، به معنای چشم‌به‌راه بودن ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی است. برخی بزرگان، با بهره‌مندی از سخنان پیشوایان معصوم (علیهم السّلام) انتظار را این گونه معنا کرده‌اند: کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان‌ها) برای آنچه انتظار دارند، می‌شود و ضد آن یأس و ناامیدی است. هرچه انتظار بیشتر و هرچه شعله آن، فروزان‌تر و پر فروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی نیز بیشتر خواهد بود (موسوی اصفهانی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۳۵)

امام خمینی انتظار فرج را انتظار قدرت اسلام و کوشش برای تحقق این قدرت در عالم می‌داند. خمینی، روح الله، صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۷۴) ایشان دو تفسیر از انتظار فرج بیان می‌کند که یکی صحیح و سازنده و دیگری غیر صحیح و باطل است. حضرت امام درباره انتظار حقیقی و منتظران واقعی و فرق آنان با مدعیان دروغین این مکتب، به افرادی اشاره می‌کند که هر کدام به نوعی دچار کج‌فهمی و انحراف از معارف و اهداف شیعی و اسلامی شده‌اند. در اندیشه امام خمینی تفسیر انتظار به گونه‌ای است که با روح و حقیقت اسلام سازگار است؛ زیرا انتظار فرج که آموزه‌ای دینی و مذهبی است باید به نحوی مطرح شود که روحیه تحرک و پویایی در جهت تکامل معنوی، احیای معارف اسلامی و نشر حقایق دینی در میان افراد بشر ایجاد کند و مردم را به سوی زندگی همراه با معنویت پیش ببرد. امام هر گونه برداشت از مفهوم انتظار را که موجب فریب مردم شود به شدت نقد و نکوهش کرده است. از جمله برداشت‌های نادرست از انتظار فرج در نگاه امام خمینی این است که برخی از مؤمنان، صرف عمل به تکلیف خود و امر به معروف و نهی از منکر و نشستن و دعا برای انتظار فرج و بی توجه بودن به مسائل مهم امت اسلامی را انتظار فرج می‌دانند، امام ریشه این تفکر و اعتقادات را برداشت غلط از برخی روایات می‌داند که تشکیل هر حکومتی را پیش از ظهور امام

عصر، طاغوت و در تضاد با انتظار فرج است (خمینی، روح الله، صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۱۶-۱۳) به اعتقاد امام خمینی کسانی که افزایش گناه و معصیت را زمینه ظهور امام زمان (علیه السلام) می‌دانند یا حتی مردم را دعوت به گناه می‌کنند تا دنیا پر از جور و ظلم شود و آن حضرت ظهور کند، عده‌ای منحرف و ساده‌لوح هستند (خمینی، روح الله، صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۱۴). امام خمینی یکی از وظایف منتظران را تشکیل حکومت در زمان غیبت می‌داند؛ (خمینی، روح الله، ولایت فقیه، ۱۳۷۲، ص ۵۰)، از این رو به اعتقاد ایشان وظیفه مسلمانان فراهم‌سازی مقدمات ظهور آن حضرت با استقرار حکومت دینی می‌باشد (خمینی، روح الله، دانشنامه امام خمینی، ۱۳۹۹، ج ۹، ص ۶۴۷)

بر همین اساس، باید چارچوبی برای ایجاد یک فرهنگ انسان ساز شکل گیرد، فرهنگ مهدوی عبارت است از: «بیان اندیشه‌ها، باورها، اصول و اعتقادات مربوط به آموزه مهدویت، تبیین ارزش‌ها و باید‌ها و نبایدهای آن، تعیین هنجارها و الگوهای رفتاری و کرداری مرتبط با آن، تولید نمادها، نشانه‌ها و علائم نمادین برای توسعه و تحکیم آن، تولید آیین‌ها و آداب و رسوم تازه و تقویت آیین‌های پیشین، ابداع و نوآوری‌های ارتباطی رسانه‌ها در حوزه شبکه‌های انسانی حقیقی و مجازی، توسعه و بسط مهارت‌های مورد نیاز مانند زمینه‌سازی ظهور، انتظارسازنده، روش‌های یاری مهدی موعود (عج) و...» (عظیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵). مصباحی مقدم (۱۳۹۷) هم در این راستا فرهنگ مهدویت را فرهنگ انتظار بشریت برای حاکمیت صلح و حاکمیت حق می‌داند. بدین صورت که حق حاکم شود و صلح را در میان بشریت برقرار کند که بشریت به صورت یکپارچه شود و مدیریت یکپارچه داشته باشد. خداوند در قرآن کریم پیرامون وارثان حقیقی زمین می‌فرماید: «و تُرِيدُ أَنْ تُنَمِّنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص / ۵) و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین نعمت دهیم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم.

بنابراین، فرهنگ مهدوی را می‌توان در قالب دو برداشت اصلی بیان کرد: نوع اول فرهنگ مهدوی، فرهنگ آرمانی است که در عصر ظهور، توسط امام زمان (عج) بر مبنای باورها و ارزش‌های حقیقی اسلام، در جامعه جهانی تحقق خواهد یافت؛ بنابراین یک فرهنگ دینی جهان‌شمول و آرمانی را شکل می‌دهد. نوع دوم آن، ذیل عنوان «فرهنگ انتظار» قابل ترسیم است. فرهنگ انتظار، فرهنگی است که در عصر غیبت امام زمان (عج) شکل می‌گیرد. چنین فرهنگی بر محور همان باورهای زیربنایی و با الگوگیری از چشم‌انداز آرمانی «فرهنگ مهدوی» تحقق می‌یابد. با این وصف، منظور ما از «فرهنگ مهدوی»، نوع دوم بوده که در راستای رسیدن به فرهنگ آرمانی و اندیشه دفاعی مهدویت ترسیم شده است (الهی‌نژاد، ۱۳۹۳).

از سوی دیگر، هدفی که در کلام و رفتار دست‌اندرکاران فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه در این چند سال بر آن تاکید شده، اندیشه دفاعی مهدوی است. امام خمینی (ره) در همین راستا می‌فرماید: «همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار فرج قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان‌شاءالله تهیه شود» (صحیفه نور، ۱۳۶۹، ص ۱۹۷-۱۹۶). مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز پیرامون فرهنگ جهانی مهدوی می‌فرماید: «ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (عج) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. رابطه‌ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان (عج) یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دایم در دل انسان زنده نگه می‌دارد (بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲). ایشان همچنین می‌فرمایند: «انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان (عج) آماده کنیم سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن‌بینی دارد ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان (عج) خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. اعتقاد به امام زمان به معنای گوشه‌گیری نیست، امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه‌ی دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، این‌ها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آن‌ها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با این‌ها آماده کنیم (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصالای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

این اندیشه به عنوان راهنمای عمل برگزیده شده است تا اهداف متعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی جامعه واقعیت به تن پوشد و در واقع جامعه‌ای هم‌تراز و هم‌شأن با جامعه‌ای که موردنظر رسول الله (ص) و ائمه اطهار (ع) بوده است، برپا شود؛ جامعه‌ای که زمینه‌ساز ظهور حضرت ولی عصر (عج) باشد. در واقع نگاه فرهنگی به دفاع یکی از رویکردهای غالب در کنش‌های سنت و سیره اهل بیت (ع) است که همواره تاکید بر آماده کردن جامعه برای دفاع در برابر دشمنان و حفظ دین دارند. در دفاع فرهنگی تلاش می‌شود با تاثیرگذاری بر باورها و ارزش‌های یک ملت، اندیشه و الگوی اداره کشور به مثابه هویت‌دهنده نظام فرهنگی، به چالش کشیده شود. بُعد فرهنگی - دفاعی مهدویت در ترویج فرهنگ ظهور مهدی (عج) نقش بسزایی دارد و همچنین در قلمرو جهانی شدن فرهنگ‌ها و استحاله فرهنگ‌ها در فرهنگ غربی، پتانسیل بالایی در زمینه دفاع فرهنگی و صادر کردن مهدوی به دیگر نقاط جهان دارد. از جمله پیامدهای منفی تهاجم فرهنگی بر کشور ایران از بین رفتن هویت

دینی و اسلامی جوانان، فراموش شدن فرهنگ انتظار، کم‌رنگ شدن روحیه جهاد و شهادت در راه خدا و ... می‌توان اشاره کرد (خنیف‌ر و همکاران، ۱۳۸۹).

با توجه به تهاجم فرهنگی غرب و شرق و به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) شبیخون فرهنگی؛ و همچنین تلاش رسانه‌های غرب بر سلطه فرهنگی بر تمام فرهنگ‌های جهان و نهادینه کردن فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی در میان تمام ملت‌ها و بالاخص کشورهای اسلامی، لذا باید به دفاع فرهنگی در برابر تهاجم فرهنگی پرداخت. از سوی دیگر در اندیشه دفاعی مهدوی در بُعد فرهنگی، قابلیت‌ها و پتانسیل بالایی وجود دارد که به مقابله با تهاجم (شبیخون) فرهنگی بپردازد. اگر انتقال فرهنگ انتظار ظهور، از مجرای صحیح آن صورت نگیرد انتقالی ناقص است و دوام و پایایی ندارد بنابراین جایگاه و نقش زنان در جامعه مهدوی از نظر جایگاه فردی، نقش خانوادگی و تأثیر آن‌ها بر اجتماع در پیش و پس از ظهور قابل بررسی است، برخی از زنان چنان شایستگی و منزلتی می‌یابند که جزء اصحاب و کارگزاران ویژه حضرت مهدی می‌شوند

در فرهنگ مهدویت به روح لطیف زن و نقش‌های متناسب با لطافت روحی وی بسیار توجه دارد» همه اینها توجه دقیق و ظریف دین به مسئولیت‌های متناسب با طبیعت وجودی زنان را نشان می‌دهد که خود به معنای ارزشمند دانستن این گوهر وجودی و بازشناسی شأن و جایگاه والای آن است. استاد مطهری نیز در کتاب پر ارزش نظام حقوق زن در اسلام با بیانی روشن بر این نکته تأکید کرده است: عدم توجه به وضع طبیعی و فطری زن بیشتر موجب پای مال شدن حقوق او می‌گردد. اگر مرد در برابر زن جبهه ببندد و بگوید تو یکی و من یکی، کارها، مسئولیت‌ها، بهره‌ها، پاداش‌ها، کیفرها همه باید متشابه و هم شکل باشد، در کارهای سخت و سنگین باید با من شریک باشی، به فراخور نیروی کارت مزد بگیری، توقع احترام و حمایت از من نداشته باشی، تمام هزینه زندگی ات را خودت بر عهده بگیری، در هزینه فرزندان با من شرکت کنی، در مقابل خطرهای خودت از خودت دفاع کنی، به همان اندازه که من برای تو خرج می‌کنم، تو باید برای من خرج کنی و ... در این وقت است که کلاه زن پس معرکه است؛ زیرا زن بالطبع نیروی کار و تولیدش از مرد کمتر است و استهلاک ثروتش بیشتر. به علاوه، بیماری ماهانه، ناراحتی ایام بارداری، سختی‌های وضع حمل و حضانت کودک شیرخوار، زن را در وضعیتی قرار می‌دهد که به حمایت مرد و تعهداتی کمتر و حقوقی بیشتر نیازمند است در نظر گرفتن وضع طبیعی و فطری زن و مرد با توجه به تساوی آن‌ها در انسان بودن و حقوق مشترک انسان‌ها، زن را در وضع بسیار مناسبی قرار می‌دهد که نه شخصیتش کوبیده شود (محمدرضا زیبایی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۱، چاپ دوم، ص ۱۲۶)

به طور کلی، نظریه های الهیات فمینیستی درباره جایگاه زن در سه گروه می گنجند: گروه نخست، دیدگاه کسانی است که با نظر علمای دینی درباره زنان و مردمدار بودن سنتی در چالشند، گروه دوم، نگرشی است که با احکام دینی بازدارنده زنان از انتصاب به مقامات روحانی در ستیز است و گروه سوم نیز کلیسا را نهاد می داند و هدفش ارتقای موقعیت حرفه ای زنان در کلیساست. علمای فمینیسم با به کارگیری دایمی از واژه های مذکر برای خدا و روح القدس اعتراض دارند. این گروه فمینیسم ها، با تحقیق درباره تصویرپردازی از زنان در کلیسا و تاریخ مسیحیت آشکار می سازند که فقط دو تصویر از زن وجود دارد: گناه کار (حوا) یا باکره (مریم) که مادر بودن و فرمان برداری را در بر می گیرد (زن در آینه جلال و جمال، ۱۳۸۵، چاپ سیزدهم). خلاصه آن که تفکرات فمینیستی همانند دیدگاه آزادی بخش که به لحاظ تاریخی و نظری ارتباط تنگاتنگی با آن دارد، به گونه ای تعبیر می شود که گویا نقش نخست آن آزادی بخشی است؛ آزادسازی فقرا در دیدگاه آزادی بخش و آزادسازی زنان از دیدگاه فمینیسم وجود دارد. (حکیم پور، ۱۳۸۲، محمد، چاپ اول).

توجه به فطرت و روح لطیف زن

زن موجودی ظریف، با احساس و عاطفه قوی است که خداوند متعال او را آفرید تا بخشی از بار رسالت تعلیم و تربیت جامعه را بر دوش گیرد و در مسیر کمال گام بردارد. خداوند زن را که مظهر جمال الهی است، آفرید و او را مایه آرامش و سکون همسر قرار داد تا خانه و خانواده را در سایه عطوفت و رحمت خود بپاراید. چراکه رحمت و مودت، مایه بقای زندگی است. امام متقیان توجه به فطرت زنان، لطافت و زیبایی زن را عامل مهمی در حفظ و حراست از زن می داند و می فرماید: «ان المرأة ریحانة لیست بقهرمانه»: همانا زن گل است، قهرمان نیست (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، نامه ۳۱). بر اساس این سخن، زن همانند گلی است که باید از آن مراقبت شود تا با طراوات و تازه بماند و بتواند در پرتو عطر و لطافت خویش، کانون خانواده را زیبا و با صفا سازد.

به دلیل ارزش و جایگاهی که اسلام برای زن قائل است، سفارش های بسیاری در زمینه تکریم، محبت و احترام به زن بیان شده است. دین اسلام زن را از جایگاه زن بودنش مورد تقدیر قرار می دهد. علی (علیه السلام) در این باره به نقل از پیامبر می فرماید: «احترام بانوان را پاس نمی دارد مگر کسی که بزرگواری و کریم است و به ایشان اهانت نمی نماید مگر کسی که پست و فرومایه است» (نهج الفصاحه، ۱۳۳۶). اهمیت به استعداد و توانایی زن و قابلیت های اجرایی متعدد او همانند تعلیم پذیری، هدفداری و مسئولیت پذیری در برنامه ریزی زن در خانواده قابل توجه است؛ چرا که دوری از فطرت، بزرگترین ضربات را به توازن، تعادل و تکامل زن وارد می سازد. روشن است که در برابر هر استعدادی وجود حقی برای انسان ثابت است، یعنی هر استعدادی سند یک حق برای انسان است و براساس

همین حقوق طبیعی، وظایفی متناسب با غرایز فطری و توان فردی برای انسان ها معین می گردد، چنان که آیه قرآن می فرماید: ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (بقره: ۲۸۶)

۱. امنیت فردی و اجتماعی زنان

امروز در جامعه شاهد هستیم که زنان سعی دارند در برخی شغل هایی وارد شوند که هیچ گونه سختی با روحیات آنها ندارد، در حالی که امام اول شیعیان در خصوص واگذاری وظایف به زنان می فرماید: «لا تملك المرأة من الأمر ما يجاوز نفسها، فان ذلك انعم لحالها و ارحى لبالها و ادم جمالها»؛ به زنان بیش از توان آنها امور را تحمیل نکنید، زیرا این رعایت ها برای حال آنها مناسب تر، برای آرامش خاطرشان سودمندتر و برای دوام زیبایی آنها مؤثرتر است (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، نامه ۳۱). بانوان گاهی فراموش می کنند که وظیفه اصلی زن مسلمان در مرحله اول شوهرداری و تربیت فرزندان است و انجام درست این وظایف شالوده اصلی نظام اسلامی را تضمین می کند تا راه سعادت و کمال الهی را سریع تر و بی خطر طی کند. وصی رسول خدا با درک این موضوع چنین به جامعه زنان خطاب می کند: «جهاد المرأة حسن التبعل»؛ جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است. بنابراین شیوه صحیح همسرداری که ریشه استحکام خانواده در آن نهاده شده است. یکی از اصول مهم استراتژیک مسائل زنان است که ضروری است نظام اجتماعی، برای استحکام آن برنامه ریزی کند. انسان امروزی از اوضاع حاکم بر جهان به اندازه ای افسرده و مضطرب و رنجور است که به جست و جو درباره نظریه ها و یا اندیشه های نو و جدید روی آورده که برای او چگونگی دگرگونی این اوضاع فاسد را بیان می کند. با وجود این، مسئله ای که افسردگی و خشم انسان ها را افزون کرده، این است که هرگاه به ایده و یا اندیشه ای دست می یابد، پی میبرد که به جای حل دشواری و بلاها برعکس، مشکلات را می افزاید (سید عباس مدرسی، ۱۳۸۷، ص ۱۹)

رابرت اچ. بورک نویسنده کتاب لیبرالیسم مدرن و افول امریکا، فمینیسم و به خصوص فمینیسم افراطی را از جمله تفکراتی می داند که نه تنها برای زن منزلت به ارمغان نیاورده، بلکه مخرب امنیت روحی و جسمی خود زنان و به تبع آن مخرب امنیت جامعه گشته است. وی می نویسد: فمینیست ها حتی زنان را به درون ارتش و جبهه های جنگ راند و برای این سیاست فاجعه آمیز دو دلیل ارائه نمود: اول این که فرستادن زنان به جبهه های جنگ، قدرت اعتماد به نفس زنان را تقویت می کند و موجب احترام مردان به آنان می شود، در حالی که می دانیم این موضوع حقیقت نداشته و ندارد. استدلال دوم آن که باعث تساوی زن و مرد است. حال آن که ماحصل این حضور، فجایعی بوده است که تأثیر

نامساعدی بر تضعیف روحیه سربازان داشته و موجبات آزار واذیت خود زنان را فراهم نمود (رابرت اچ. بورک، لیبرالیسم مدرن، ۱۹۳۳-م، ص ۴۹۳)

اهمیت این نکته هنگامی روشن می شود که یادآور سازیم شالوده امنیت روانی جامعه بر امنیت روانی مهم ترین واحد اجتماعی یعنی خانواده استوار است که زن در آن نقش بارزی ایفا می کند. همین آرامش به جامعه منتقل می شود واز التهابات و انحرافات و بحران ها جلوگیری می کند. تفکر مهدوی علاوه بر این که وجود امام را آرامش بخش قلوب منتظر شیعیان اعم از زنان و مردانی می داند که امید به آمدن آن منجی دارند، بالاتر از آن، واسطه وجود امام را امان اهل زمین از عذاب و ناگواری های آن یاد می کند، افزون بر این، ما معتقدیم در زمان حضور حضرت نیز چنان امنیتی بر جان انسان ها و بر جامعه آنان ایجاد خواهد شد که عالم نظیر آن را ندیده است.

۲. شکوفایی اخلاق

تکریم زنان یکی از شاخصه ها و نتایج مهم حکومت دینی است. امام علی (ع) در خطبه ۱۰۵ فراز ۹ تا ۱۱، به بیان نعمت های وسیع حکومت دینی می پردازد و تکریم زنان را یکی از شاخصه ها و نتایج مهم حکومت دینی می خواند: «وقد بلغتم من کرامه الله تعالی لکم منزله تکریم بها أماوکم و توصل بها جیرانکم...»؛ بر اثر کرامت الهی مقام و منزلتی یافید که (حتی) کنیزان، شما را گرامی داشتند. در اینجا مولای متقیان، احترام به کنیزان (زنان تحقیر شده) را شاهد مثالی برای رشد جامعه دانسته اند، چراکه پیش از اسلام کنیزان هیچ منزلتی نداشتند. همچنین حضرت علی (علیه السلام)، زنان و مردان را دارای سرمایه های یکسانی از خلقت می دانند که هر یک به شکل متفاوتی در زن و مرد نمود پیدا کرده است. هرچند زن و مرد در برخی صفات مشترک هستند، اما در دیگر صفات با هم فرق دارند. «خيار خصال النساء شرار خصال الرجال: الزهود الجبن و البخل، فاذا كانت المرأة مزهوه لم تمكن من نفسها و اذا كانت بخيله حفظت مالها و مال بعلها و اذا كانت جبانة فرقت من كل شيء يعرض عليها»؛ بهتری خوی زنان، بدترین خوی مردان است که همانا تکبر، ترس و بخل است؛ پس هرگاه زن متکبر باشد، به کسی جز همسر سر فرود نمی آورد و هرگاه بخیل باشد، مال خود و همسرش را حفظ می کند و هرگاه ترسو باشد، از آنچه به او روی می آورد، می ترسد (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۶)

ارتباط آزادی زن برای جامعه خطرناک است! امروز به طوری که از تاریخ معلوم می شود، خرابی کشور روم بر اثر آزادی زنان در ارتباط با مردان بوده است. از نتایج همین آزادی است که شهر پاریس دویست هزار روسپی پیدا کرده واز نتایج آن است که تنها در چهار سال یعنی از سال ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۳ پنج هزار و هشت صد و شصت و نه نفر در فرانسه به علت معاشقه و شرب مسکرات خود را هلاک کرده اند (سیدرضا صدر، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸، چاپ اول). برخی اندیشه و ران غربی همچون پرفسور

رابرت اچ. بورک عنوان میکند که بخش عمده ای از تئوری فمینیست ها وبه خصوص فمینیسم افراطی، کذب محض است. فمینیست ها بسیاری از مسائل وموضوع های دروغین را در قالب واقعیات وحقایق چنان جلوه می دهند که طبعاً طرف داران بیشتری یابند (اچ بورک رابرت و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۶۸) وبخشی از آن، خواسته های بی اساس وموهوم وفریبنده ای است که آن را پارانوئیا می نامند. حال آن که رکن وپایه تفکر مهدوی که انتظار وجود مقدس آن منجی است، با اخلاق متعالی پایه ریزی می گردد. بنابراین انتظار آن امام محبوب، خودبه خود ریاضت مهمی برای نفس است که لازمه آن، متوجه ساختن قوه عاقله وخیال به جانب امری است که در انتظار آن به سر می بریم. لازمه انتظار آن است که انسان دوست داشته باشد از هم صحبتان شیعیان مهدی (علیه السلام) باشد وبلکه از اعوان وانصار آن بزرگوار گردد ولازمه این امور آن است که شیعه مهدی (ع) (زن ومرد) در اصلاح نفس خود بکوشد و اخلاق خویش را نیکو کند تا قابلیت هم صحبت شدن مهدی (ع) را پیدا کند ودر رکاب آن حضرت جهاد نماید. انتظار، وقوع مصیبت ها وحوادث را سهل وآسان خواهد کرد؛ زیرا انسان می داند که آن مصیبت ها در معرض جبران وتدارک هستند وچقدر فرق است بین آن مصیبتی که انسان بداند جبران خواهد شد یا نه (سید صدرالدین صدر، المهدی، ترجمه محمدجواد نجفی، ۱۳۷۳، ص ۲۷۱).

۳. جایگاه زن در خانواده و اجتماع

امام عارفان با بیان ساختار تشکیلاتی حضور زنان در نهادهای اجتماعی، بهترین الگوی ممکن در این حیطه را چنین ایراد می کنند: «ان استعطت ان لایعرفن غیرک فافعل»؛ اگر می توانی کاری کنی که زنان، غیر از تو را (در تشکیلات) نشناسند، چنین کن (نامه ۳۱ / ۶۱). بر اساس مدل ارائه شده توسط امام علی (علیه السلام)، در چارچوب تشکیلات، ارتباط زنان فقط با مدیریت کل است و خواسته های آنان از طریق رأس مدیریت به زیر مجموعه ها منعکس می شود. توجه به این نکته که امروزه برنامه ریزی مباحث زنان در جهان دچار مشکل اساسی است و دنیای معاصر هنوز در شناخت زن و ویژگی های او تصور روشنی ندارد و از آنجا که با اصل قرار دادن تشابه زن و مرد به برنامه ریزی اقدام می کنند، هنوز هم نتوانسته اند به بهترین راهکار دست یابند. از این روست که ضرورت پرداختن به مباحث اساسی اسلام از قبیل قرآن و نهج البلاغه برای معرفی ارزش و جایگاه والای زنان در جهان هستی بیش از پیش احساس می شود.

علی (ع) برای حفظ شخصیت زن و جلوگیری از آسیب های جسمی و روحی وی، به مواردی اشاره می کند. از نگاه آن حضرت، زن می تواند با حفظ حریم خود در جامعه حضور یابد و در

فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شرکت کند و مانع تعدی بیگانگان شود. (علی ع) به زنان توصیه می‌کند هنگامی که برای تحقق مسئولیت‌های اجتماعی در اجتماع و محافل عمومی حضور می‌یابند، حریم و پوشش مناسب داشته باشند، در این صورت است که در برخوردهای اجتماعی از مصونیت لازم برخوردار می‌شوند. حیا و پاکدامنی اگرچه برای هر فردی نیکو و زینده است، اما برای بانوان نیکوتر و لازمتر است. از این رو امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «پاداش مجاهد شهید در راه خدا، بزرگتر از پاداش فرد پاکدامن نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی‌شود. همانا انسان پاکدامن فرشته‌ای از فرشته‌های خداوند است» (حکمت ۴۷۴). امروزه زنان بسیاری در اقصی نقاط جهان، منزلت و حریم انسانی خود را به خوبی پاس می‌دارند. حضرت علی سه خصلت متانت، احتیاط و حسابگری را از ویژگی‌های مهم زن مسلمان می‌داند. از سخن آن حضرت چنین استنباط می‌شود که زنان باید در مراودات اجتماعی، متانت و در عین حال قاطعیت داشته باشند. این کار برای جلوگیری از تعدی مردان بیمار دل به آنها مفید است. آن حضرت همچنین یادآور می‌شود که زنان باید در مراودات اجتماعی، محتاط، دانا و زیرک باشند تا مورد طمع و سوء استفاده قرار نگیرند و جامعه به چشم کالایی مصرفی به آنها نگاه نکند. علی (ع)، ویژگی دیگر زن مسلمان را حسابگری می‌داند. آن حضرت به زنان حسابگر ارج می‌نهد و متذکر می‌شود که زنان حسابگر و دقیق، از مال و آبروی همسر خویش مراقبت می‌کنند. بنابراین اگر یک زن به سه صفت متانت، حسابگری و احتیاط مزین باشد، به راحتی و آزادی می‌تواند در خانه و اجتماع گام‌های سازنده و مؤثری بردارد.

جان استوارت میل در کتاب خود می‌نویسد ازدواج عملاً تنها بردگی ای است که قانون ما آن را به رسمیت می‌شناسد. این تلقی از خانواده رفته رفته به تضعیف این نهاد مهم اجتماعی وسست شدن روابط خانوادگی در جوامع غربی انجامید، تا آن جا که متفکران و جامعه‌شناسان غربی درباره روند رو به افزایش از هم پاشیدن خانواده اعلام خطر کردند و آن را از چالش‌های نظام‌های لیبرال - دموکراسی یاد نمودند. فمینیسم تفاوت‌های طبیعی میان انسان‌ها را که زمینه تفاوت عمل کرد در محیط اجتماعی است، نادیده گرفته و با ادعای تساوی طلبی، بیشترین لطمه را به جامعه، به ویژه خود زنان وارد آورد. شعار تساوی، زنان را از محیط خانه به صحنه اجتماع می‌کشاند و آنان را در موقعیت به ظاهر برابر در محیط کار و دانش قرار می‌دهد. اما حقیقت آن است که فمینیسم بانادیده گرفتن نقش مادری و همسری و روانه ساختن زنان به عرصه‌های دیگر در پرتو تلاش‌های تبلیغاتی، موجب شد که زن، احترام مادری و محیط خانه را که بهترین محیط هنرنمایی و مهم‌ترین ابزار او برای مشارکت اجتماعی و تأثیرگذاری بر اعضای خانواده بود، از دست بدهد و به میدانی وارد شود که احتمالاً قدرت رقابت با جنس مخالف را ندارد. (احمد رضا توحیدی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۷)

برخلاف دیدگاه فردگرایی غربی، اندیشه ورن اسلامی خانواده را هسته اصلی و واحد بنیادین اجتماع یاد کرده اند و رشد و تعالی انسان ها را در گرو حراست از کانون خانواده دانسته اند. در دیدگاه اسلامی اهداف تشکیل خانواده بسیار فراتر از ارضای تمایلات جنسی زن و مرد بوده و امور مختلفی را شامل می شود که مهم ترین آنها عبارتند از: بقای نسل انسانی، سکونت و آرمش زوجین، ارضای غریزه جنسی، مشارکت در حیات معنوی، مشارکت در حیات مادی و تربیت نسل. در تفکر اسلام و به تبع آن در فرهنگ مهدویت، استحکام و خوشبختی هر جامعه ای مرهون تربیت خانوادگی افراد آن است و نقش اساسی در خانواده نیز به عهده «مادر» است. مطالعه تاریخ زنان مسلمان نشان می دهد که آنان محیط خانه را بسیار حساس و با اهمیت می شمرده اند و آن را کارخانه آدم سازی و دانشگاه انسانیت می دانسته اند. لذا تربیت شدگان آنان نیز کمال انسانی را در میدان بزرگ اجتماع به مرحله بروز می رسانده اند؛ چرا که اگر مردانی باید باشند که اساس و بنیان جامعه را بسازند، تنها مادر است که آنها را پرورش می دهد: «الولد مطبوعٌ علی حب أمّه؛ فرزند * - از نظر اخلاق، طبیعت و دیانت * - ساخته شده مادر است (غرر الحکم، ۱۴۱۰-ق، ص ۱۳۷، ح ۲۳۹۹).

روایات متعدد، هنگام معرفی حضرت مهدی (علیه السلام)، ایشان را فرزند حضرت زهرا (س) برترین زنان جهان یاد می کنند که الگو و نمونه والای تربیتی است. از سوی دیگر، بنابر روایات متواتر آمده که «الجنة تحت اقدام الامهات» (مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸-ق، ج ۱۵، ص ۱۸۰، باب ۷۰)؛ بهشت زیر پای مادران است. هم چنین روایات تأکید دارند: «الجنة تحت ظلال السیوف» (بحار الانوار، ۱۳۱۵-ق، ج ۳۳، ص ۱۴، بابا ۱۳)؛ بهشت زیر سایه شمشیر مجاهدان است. با دقت در نتیجه انتهایی این دو روایت نیز که دست یابی به بهشت است، به این اصل می رسیم که سایه شمشیر مجاهدان، امنیتی هم چون فضای تلاش تربیتی مادران را ایجاد می کند و یا نتیجه تلاش مجاهدان مشابه تلاش مادران است. لذا در فرهنگ انتظار، ظهور یاران از جان گذشته ای که یار و مرید حقیقی آن حضرت در آبادانی فردا باشند، بسته به فضای تربیتی است که مادران در خانواده بنا می کنند.

۴. آزادی زن

ازدواج و تشکیل خانواده، نیاز و ضرورتی است که در سایه آن انسانها می توانند به رشد و تعالی برسند. بدون شک ارتباط بین اعضای خانواده مهم و در سطح اجتماع تاثیر گذار است. امروزه شاهدیم که صاحب نظران غربی از فروپاشی نهاد خانواده و روند رو به رشد خانواده های تک والدی احساس خطر می کنند و درصدد یافتن راه حل هایی مناسب برای کاستن از پیامدهای این مسأله هستند. آدم

بورسوا نویسنده و محقق مسائل اجتماعی در ایالت ایلوی نويز آمریکا می‌گوید: بر اساس تحقیقات انجام شده، خانواده‌های امروزی که بدون ازدواج به وجود می‌آیند منبع قوی برای شکل‌دهی به فرزندان ندارند و نمی‌توانند وجدان اخلاقی کودک را به‌خوبی شکل دهند. این خانواده‌ها رو به متلاشی شدن و اضمحلال هستند. امروز ۳۲ درصد از بچه‌ها نامشروع به دنیا می‌آیند، درحالی که در سال ۱۹۷۰، این تعداد ۱۱ درصد بود. لذا وضعیت بسیار نگران‌کننده است (بورسوا، ۱۳۸۳: ۱۱).

دین اسلام برای خانواده اهمیت محوری قائل است. زنان و مردان هر یک در سیستم اجتماعی، دینی و تربیتی خانواده، وظیفه و نقشی کلیدی بر عهده دارند. نقش مهم زن مسلمان در خانواده، تدبیر امور داخلی خانواده و نظارت مسئولانه بر این کانون پرمهر است. علی(ع) به این نقش اشاره می‌کند و می‌فرماید: «والمراة راعیة علی بیت زوجها و هی مسئولة»؛ زن ناظر و مسئول امور خانه و همسرش است (شاملی، ۱۳۸۰). او با نظارت صحیح خود در خانواده می‌تواند فضای صمیمانه و تفاهم‌آمیزی را ایجاد کند و زمینه یک زندگی سالم، بانشاط و همراه با موفقیت را فراهم سازد. از دیدگاه علی(ع)، زن در خانواده مسئولیت حساس و خطیری بر عهده دارد. خانه‌داری و رسیدگی به امور فرزندان و تربیت آنها، به همت و کوشش فراوان نیاز دارد. اصولاً رسالت مادری زیباترین و مقدس‌ترین وظیفه زنان است و جز مادران فداکار کسی نمی‌تواند این نقش را به خوبی انجام دهد. در همین راستا، وقتی رسول گرامی اسلام(ص)، مسئولیت‌های خانه را بین علی(ع) و همسرش فاطمه(س) تقسیم می‌کند، به هر یک کاری متناسب با ویژگی‌های زن و مرد محول می‌کند. علی را به کارهای بیرون از منزل و فاطمه را به رسیدگی به امور خانه و پرورش فرزندان ترغیب می‌کند. حضرت فاطمه(س) از این نوع تقسیم کار که هماهنگ با شخصیت و ویژگی‌های زن است، خشنود می‌شود و خدا را سپاس می‌گوید. از نقشهای مهم زن در کانون خانواده، رازداری و صداقت نسبت به همسر است. صداقت و راستی، مهمترین عامل تحکیم خانواده است که موجب جلب اعتماد متقابل می‌شود و رفتار محبت‌آمیز را بین زن و شوهر پدید می‌آورد. بدیهی است زن و شوهر از دو خانواده متفاوت هستند که معمولاً فرهنگ و برخی عاداتهای آنها نیز متفاوت است. ایجاد تفاهم بین این دو فرد، به تلاش و فداکاری نیاز دارد. البته در این خصوص زن نقش بارزتری در زمینه همگرایی خانواده ایفا می‌کند. شاید از همین رو است که بزرگان دین، رفتار خوب زن با شوهر و به عبارتی خوب شوهرداری کردن را به منزله جهاد دانسته‌اند. یعنی ارزش مدارا و برخورد کریمانه زن با همسرش، همچون جهاد مجاهدی است که در راه خدا به مبارزه برخاسته است. علی(ع) تمام سعی خویش را به کار می‌بست تا مردان جامعه، جایگاه ارزشمند زنان را درک کنند و بدانند که همسر و اعضای خانواده، بیش از هرچیز به مهر و محبت نیاز دارند و هیچگونه خشونت و بی‌حرمتی شایسته آنان نیست. آن حضرت می‌فرمود: «مردی که همسرش

را بیازارد، نماز و هیچ کار خیری از او نزد خداوند پذیرفته نیست و نخستین کسی است که وارد آتش می‌شود» (وسائل، ابواب احکام الاولاد، ۱۴۱۶-ق، باب ۷، خ ۱).

علی(ع) همچنین می‌فرماید: «هرکه به اهل (خانواده) خود بدی کند، از او امید احسانی نسبت به دیگران نمی‌رود» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۶: ۱۲/۱۶۳). به عبارت دیگر، چنین فردی در مسئولیت‌های مهم اجتماعی و حتی در اداره زندگی فردی از شایستگی‌های لازم برخوردار نیست. به دلیل عاطفی بودن زن، مرد باید در شکست‌ها و ناکامی‌ها، تکیه‌گاه محکم او باشد و در عین حال، لازم است در پرتو مهر و عطوفت زن، مرد نیز به آرامش و تعالی برسد. بسیاری از گرفتاری‌های خانوادگی به مسائلی مربوط می‌شود که از سوی یکی از زوجین به دیگری تحمیل می‌شود. گاه نیز برخی اختلافات خانوادگی به مسائل جزئی و کم‌اهمیت و یا درخواست‌های غیرمنطقی زن یا شوهر برمی‌گردد. حضرت علی(ع)، خواسته‌های غیر منطقی زن و شوهر از هم را برای زندگی مشترک، آسیب‌زا می‌داند و از زنان و مردان می‌خواهد که در زندگی نسبت به هم مودت داشته باشند، چیزی را به یکدیگر تحمیل نکنند و زمینه رنجش هم را فراهم ننمایند. آن حضرت، ۹ سال با همسرش فاطمه(س) با صفا و صمیمیت تمام زندگی کرد و وقتی از او درباره زندگی مشترکشان سوال شد، فرمود: «خدا را گواه می‌گیرم که در هیچ موردی فاطمه(س) را به خشم نیاوردم و به او هیچ کاری را تحمیل نکردم. فاطمه(س) نیز چنین بود که در هیچ موردی خشم مرا برنمیگیخت و در هیچ امری از من سرکشی نکرد» (شاملی، ۱۳۸۳).

لوس ایریگری از فمینیست‌های مشهور فرانسوی که آثاری نیز در رشته الهیات دارد، برخلاف برخی فمینیست‌های دیگر به نقد فمینیسم برابری می‌پردازد و آرمان فمینیسم را در جامعه ای می‌داند که در آن زنانگی جدیدی به وجود آید که زنان آزادی مطلق کسب کرده و به کلی از سلطه مردان نیز رها شده باشند. او این آزادسازی را با استلزامات یا لوازم الهیاتی خاصی می‌داند و هم چون دلیلی به مفهوم مذکر خدا به مخالفت می‌پردازد (سعید رحیمی، ۱۳۷۷). راسل نیز در دفاع از آزادی و حقوق انسانی زنان، تفکر انتقادی و آرای ابتکاری خویش را به طور مبسوطی ارائه می‌دهد. وی ضمن حمایت صریح از اندیشه‌های مری دیلی و ولستون کرافت و جان استوارت میل و اعلام وابستگی خود به حلقه فکری آنها، بر آموزه‌های کتاب مقدس و کلیسا در دو حوزه حقوق و اخلاق انتقادات مهمی کرده است. به اعتقاد وی، نظام حقوقی و اخلاقی مسیحیت درباره زن، ناقص و ناکارآمد و جانب دارانه و تحقیرآمیز است و به گونه ای طرح و تدوین شده که سلامت روانی و اخلاق اجتماعی خانوادگی و فردی را تهدید می‌کند و آن را به مخاطره می‌اندازد (برتراند راسل، ۱۳۸۶).

غرب و به خصوص تفکر فمینیستی آزادی را از جنبه مادی و جسمی در نظر دارد و از آن به نبودن مانع و چیزی یاد می کند که از جنبش و تحرک باز دارد (سیدعلی محمودی، ۱۳۸۵). بنابراین چنین آزادی ای را می توان در وصف حالت جانداران غیرعقل و یا موجودات بی جان نیز به کار برد، در حالی که در تفکر اسلامی و در فرهنگ مهدویت آزادی تنها آن نیست که از خارج به انسان اعطا شود، بلکه آزادی واقعی آن است که از درون سرچشمه گیرد و رشد نماید و این بدان جهت است که قیود و تضاد های درونی به مراتب از قیود و گرفتاری های بیرونی زیان بارتر و ناراحت کننده تر است و آزادی کامل و واقعی تحقق نمی یابد، مگر آن که انسان از آن قیود و گرفتاری ها نیز برهد (سیدمهدی صناعی، ۱۳۸۷). علاوه بر این، بسیاری اوقات دستورالعمل هایی کاملاً مغایر با آزادی زن در تفکر فمینیسم مشاهده می شود. برای مثال، سیمون دوبووار در مصاحبه ای با بتی فریدن می گوید: به هیچ زنی نباید اجازه داد تا در خانه بماند و به امر پرورش کودکانش بپردازد. جامعه باید به کلی تغییر کند و به زنان اجازه ندهد که فقط وظیفه پرورش فرزندان را به عهده گیرند، یعنی اگر به هر زنی حق انتخاب در خانه ماندن و پرورش کودکان خود و یا شاغل بودن در بیرون را بدهند، اغلب زنان ترجیح می دهند تا در خانه بمانند (لیبرالیزم مدرن، ۱۹۹۹-م).

این بیان حاکی از آن است که هیچ نشانی از آزادی اصیل در این منزلت اجباری دیده نمی شود. درحالی که اسلام با وجود آن که دین آزادی و آزادگی است و تفکر اسلامی، هم زاد و هم راه با آزاداندیشی است (سوره بقره، آیه ۲۵۶، سوره زمر آیه ۱۷)، شعارزدگی در باب آزادی را نمی پذیرد؛ شعارها و آموزه هایی که موجب انحراف در باب قلمرو و حدود آزادی گشته و به تدریج غباری از ابهام و اتهام بر روی این حقیقت ضروری و مورد نیاز جامعه می نشانند و به تلقی های نادرست ناشی از تجربه غرب درباره آزادی دامن می زند (علی ذوعلم، ۱۳۸۵). آزادی زن و مرد در تفکر مهدوی تا آن جا محترم است که با استعداد های عالی و مقدسی که در نهاد آنهاست، هم آهنگ باشد و آنها را به مسیر ترقی و تعالی بکشاند، ولی هرگاه آنها را به پستی و فنا سوق دهد و استعدادهای نهانی خدادادی را از مسیر خود منحرف سازد، نمی تواند احترامی داشته باشد.

۵. مشارکت در سازندگی

فمینیسم نیز مدعی است که زن را باید به میدان سازندگی اجتماعی کشاند، اما در کنار این ادعا معتقد به ویرانی خانواده و خرابی نخستین پایه های اجتماعی است که تناقض این دو با یک دیگر کاملاً روشن است. انگلس می نویسد: برای این که رهایی زن تحقق یابد، ابتدا باید زن بتواند در تولید تمام سطوح اجتماع شرکت داشته باشد و کارهای منزل فقط قسمت کمی از وقت او را بگیرد (رژه

گارودی، ۲۰۱۹-م). برخی نیز برای کشاندن زن به محیط اجتماعی و دور نمودن او از خانواده به دلایلی واهی روی می آورند، چنان که برخی گفته اند: مشارکت در تولید اجتماعی باعث رشد ذهن و جسم می شود و انزوا و سرگرم شدن به کارهای ملال آور خانگی ذهن و جسم را تضعیف و افق دید انسان را محدود می کند (ماری آلیس واترز و اوایلین رید، ۲۰۱۸-م). در حالی که در فرهنگ مهدویت زنان همان گونه که در دوران انتظار آن حضرت، زمینه ساز تربیت و پرورش مردان جامعه صالح و محور خانواده بودند برانگیزاننده مردان در یاری رسانی آن حضرت و سازندگی جامعه نیز خواهند بود، چنان که امام محمد باقر (ع) درباره چگونگی عمل زنان در عصر ظهور امام زمان (ع) می فرماید: إِنَّهُ يَنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ حَتَّى تَسْمَعَ الْعَذْرَاءُ فِي حُذْرٍ فَتَحْرُسُ أَبَاهَا وَأَخَاهَا عَلَى الْخُرُوجِ (بحارالانوار، ۱۳۱۵-ق، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵)؛ جبرئیل به اسم قائم و نام پدرش ندا می دهد تا این که زنان محجبه این ندا را در می یابند و پدران و برادران خود را برای قیام تشویق می نمایند.

نتیجه

تربیت نسل مهدی باور از جمله دغدغه‌های والدین و ولایت‌مدار در جایگاه متولیان اصلی تربیت است. در سده حاضر، والدین برای تربیت معنوی فرزندان خود با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند؛ چرا که مدعیان جهانی سازی، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تنها معارض تحقق همسان سازی فرهنگی جهان با فرهنگ غرب می‌دانند و با بهره‌گیری از هنر و تبلیغات، سعی در تخریب این فرهنگ دارند، از این رو صهیونیست‌ها با سیطره کامل بر صنعت سینما و رسانه‌ها و با بهره‌گیری از هنر و تبلیغات، یکی از محورهای اساسی فعالیت خود را مبارزه با اعتقاد به ظهور منجی الهی قرار داده‌اند. آن‌ها در محاسبات خود به این نتیجه رسیده‌اند که اعتقاد به ظهور منجی الهی، همواره موجب امید برای مقابله با ستم‌گران است. از سوی دیگر، آنان به خوبی دریافته‌اند تا زمانی که فرهنگ انتظار زنده است، شیعه که قوام دین به او است، پابرجا است و گره خوردن نسل جدید با فرهنگ مهدویت، خط بطلان بر تمام دسیسه‌های مهاجمان ناتوی فرهنگی است؛ از این رو است که برای تخریب فرهنگ انتظار در منظر نسل جدید، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند. آنان در تلاش‌اند مهدویت را به گونه‌ای به تصویر بکشند که جز تخریب، دلهره و نابودی برای دنیا به ارمغان نخواهد آورد. مسئولیت انسان سازی، بهترین رسالت زن در نظام تربیتی اسلام است. همان نقشی که معمار انقلاب حضرت امام خمینی رحمه الله علیه هم به زیبایی به آن اشاره نموده اند که همان طور که قرآن انسان ساز است. زن هم انسان ساز است؛ اصیل ترین نقشی را که زن در جامعه کنونی می تواند به عنوان یک زن داشته باشد همان نقش انسان سازی است اگر زن، اصالت را به شغل مادری و همسری

ندهد از صراط مستقیم خارج است؛ یعنی برخلاف دیدگاه فمینیستی که مادری را و همسری را یک نوع بردگی می‌بیند و یک شغل منفعل می‌دانند، در نظام مهدوی، مادری و همسری یک شغل کاملاً اصیل است. عمده‌ترین نقشی که زن می‌تواند ایفا کند این نقش است؛ نقش انسان‌سازی و تأمین نیروی انسانی جامعه مهدوی که این می‌تواند بزرگ‌ترین خدمت فرهنگی به یک جامعه مهدوی در عصر حاضر باشد. مسئله بعد نقشی است که زن به عنوان نیمی از پیکره جامعه منتظر و تأثیرگذار در نیمی دیگر از جامعه می‌تواند داشته باشد. پس در واقع، زن می‌تواند با هنرنمایی، تمامی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و می‌تواند در احیای فرهنگ مهدوی در جامعه یا تخریب آن به عنوان یک عنصر فعال و مؤثر نقش آفرینی نماید. حضرت امام می‌گویند: زن، نقش رهبری را دارد، نقش پیشتازی را دارد. نهایتاً زن می‌تواند در عرصه فرهنگ جامعه ما بیشترین تأثیر را داشته باشد؛ لذا این نقش فرهنگ‌سازی زنان در عرصه‌های فرهنگی در جامعه کنونی را نباید فراموش کنیم؛ چرا که زنان با توجه به ویژگی‌های خاص خودشان، وقتی به عنوان یک معلم، یک مربی و یک عنصر فرهنگی در جامعه نقش آفرینی می‌کنند، تحول آفرین می‌شوند و می‌توانند یک جامعه را به سوی تعالی و رشد و یا یک جامعه را به سوی انحطاط ببرند. زنان، آمیزه‌ای از عقل و احساس‌اند که اگر از این دو ابزار به خوبی بهره‌جویند، می‌توانند حرکت‌های خوبی در جامعه ایجاد نمایند. یکی از مسائل آسیب‌زا در حوزه خانواده و استحاله فرهنگی زنان در جامعه ما رشد افکار فمینیستی در بین زنان، بالاخص دختران جوان است. باید آن مدینه فاضله‌ای که دختران در ذهن خودشان در جایگاه زن در مکتب فمینیستی ساخته‌اند را با تبلیغات اصولی و صحیح خنثی نماییم. جا دارد که یک نقد جدی پیرامون مسئله فمینیست از منظر زنان آمریکا صورت‌پذیرد. در حال حاضر منابع بسیار خوبی در دسترس است که نمایان‌گر اعلام عدم رضایت و اعتراض شدید زنان فرهیخته غرب نسبت به آثار سوء تفکرات فمینیستی در جامعه است. خانم دایان پاسنو نویسنده کتاب فمینیسم راز زنانگی یا اشتباه مدیر مؤسسه مطالعات خانواده در آمریکا می‌نویسد: من به آن چه فمینیست‌ها ارائه می‌دهند اعتراض دارم. سعادت و شادمانی حقیقی انسان جز از طریق ارتباط با خداوند میسر نیست. امروز روز نبرد زنان مؤمن است. اگر خدا را بخوانید، به شما پاسخ خواهد داد... مادر، باید فرصت طلایی شکل‌گیری شخصیت فرزند را غنیمت شمرده و پایه‌ها و بنیان‌های اعتقادی فرزندش را با ارائه رفتارهای برگرفته از مبانی دینی و اخلاقی، تقویت نماید. او، اگر بنا دارد فرزندی مهدی‌باور تربیت کند، باید بداند هر چه محبت و دل‌باختگی و ارتباط قلبی خود او با آن حضرت بیشتر باشد و این علقه، در رفتار وی که فرزند، شاهد آن است، نمود عینی داشته باشد، به همان میزان می‌تواند این محبت را بدون آموزش رسمی به فرزند خود انتقال دهد. وقتی فرزند، عشق سرشار مادر به امام زمان عجل‌الله

تعالی فرجه الشریف را مشاهده می‌کند وقتی مادر، فضای خانه را به یاد و ذکر حضرت عطرآگین می‌کند، این فضای آکنده از عشق و محبت، در ساختن شخصیتی محب و عاشق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مؤثر خواهد بود. مادر می‌تواند با رفتار سرشار از عشق و محبت به امام زمان، ایجاد این محبت را از مراحل بسیط و عاطفی در کودک خود شروع کند و زمینه روحی و آمادگی قلبی ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دوره کودکی برای فرزند خود فراهم نماید. پیچیدگی تربیت در عصر حاضر و هم‌چنین تلاش بی‌وقفه مهاجمان فرهنگی برای تخریب فرهنگ مهدوی و جلوگیری از اشاعه این فرهنگ، بیش از گذشته اهتمام جدی مادران و آشنایی با ساز و کار مهدوی را می‌طلبد. بدون بهره‌گیری از آداب و دستورات دین نمی‌توان در تربیت نسل ولایی که یکی از بهترین رسالت‌های یک مادر منتظر است، موفق بود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید (۱۳۸۶)، شرح نهج البلاغه، محقق محمدابوالفضل ابراهیم، انتشارات مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم.
۴. اچ. بورک رابرت (۱۹۹-م)، لیبرالیزم مدرن، ترجمه الهی هاشمی حائری، ص ۶۸، چاپ اول: انتشارات حکمت، تهران.
۵. الهی، نژاد، حسین (۱۳۹۳)، معرفت‌شناسی مهدویت پژوهی، فصلنامه مشرق موعود، سال هشتم، شماره ۲۹.
۶. برتراند راسل (۱۳۸۶)، زن‌شویی و اخلاق، مترجم ابراهیم یونسی، چاپ هفتم، نشر اندیشه، تهران.
۷. بنوات گری (۱۳۷۷)، زنان از دید مردان، ترجمه محمدجعفر پوینده، چاپ اول، تهران.
۸. بورسوا، آدام (۱۳۸۳)، «افول اخلاقی آمریکا». فصلنامه مکاتبه و اندیشه، شماره ۲۰، صص ۹۵-۱۰۷.
۹. پاینده ابوالقاسم (۱۳۶۳)، نهج الفصاحه، ترجمه علی اکبر مظاهری، چاپ اول، انتشارات جاویدان، تهران.
۱۰. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق)، غرر الحکم، ترجمه سید مهدی رجائی، چاپ دوم، دارالکتاب اسلامی، قم، ص ۱۳۷، ح ۲۳۹۹.

۱۱. جویباری محمود (۱۳۹۱)، *خصائص فاطمیه*، چاپ ۱۲، نشر ام ابیها، قم.
۱۲. حر العاملی، محمد بن حسن (بی تا)، *وسائل الشیعه إلى تحصیل المسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل بیت لإحياء التراث.
۱۳. خامنه‌ای، سید علی، *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران*، ۱۳۸۱/۷/۳۰، <https://farsi.khamenei.ir › speech-co>.
۱۴. خمینی، سید روح الله (۱۴۰۰)، *دانشنامه امام خمینی*، ج ۹، ص ۶۴۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
۱۵. خمینی، سید روح الله (۱۳۶۹)، *صحیفه نور*، ۲۲ جلد. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، تهران.
۱۶. خنفر حسین زروندی (۱۳۸۹)، «جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی»، *فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود*، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۱۵-۹۰.
۱۷. ذوعلم علی (۱۳۸۵)، *تجربه کارآمدی حکومت ولایی*، ص ۲۶۸، چاپ اول: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
۱۸. رحیمی سعید (۱۳۷۷)، *بانوان شیعه*، سال اول، ش ۲، ص ۳۵، قم.
۱۹. رژه گارودی (۲۰۱۹-م)، *زنان چگونه به قدرت می رسند*، ترجمه امان الله ترجمیان، چاپ دوم، انتشارات پرشکوه، تهران.
۲۰. شاملی، عباسعلی (۱۳۸۰)، «منزلت زن در اندیشه والای امیرالمومنین (ع)»، *فصلنامه کتاب زنان*، شماره ۱۱.
۲۱. صانعی سید مهدی (۱۳۸۷)، *پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی*، چاپ اول، انتشارات سناباد، مشهد.
۲۲. صدر سیدرضا (۱۳۸۶)، *زن و آزادی*، به کوشش سیدباقر خسروشاهی، چاپ اول، انتشارات بوستان کتاب، قم.
۲۳. صدر سید صدرالدین (۱۳۶۲)، *المهدی*، ترجمه محمدجواد نجفی، انتشارات کتاب فروشی الامامیه، قم.
۲۴. طبسی محمدجواد (۱۳۷۰)، *زنان در حکومت امام زمان*، ص ۱۴، چاپ اول: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، تهران.

۲۵. طبسی نجم الدین (۱۳۳۴)، *چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)*، ویرایش ۲، چاپ چهارم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۶. عاملی سیدجعفر مرتضی (۱۴۲۴.ه.ق)، *بیان الائمه*، ج ۳، ص ۳۳۸، لبنان.
۲۷. عاملی شیخ حر (۱۴۱۴.ه.ق)، *وسائل الشیعه*، انتشارات اسلامیه، ج ۱۹، باب ۲، مشهد.
۲۸. علائی رحمانی، فاطمه (۱۳۶۹)، *زن از دیدگاه نهج البلاغه*، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، قم.
۲۹. عظیمی، کاظم (۱۳۸۹)، «درآمدی بر فرهنگ و عناصر آن»، *مجله دین و ارتباطات*، شماره ۳۷.
۳۰. ماری آلیس واترز و اولین رید (۱۳۸۳)، *فمینیسم و جنبش مارکسیستی*، ترجمه مسعود صابری، ص ۱۰۵، چاپ اول: انتشارات طلایه پرسو، تهران.
۳۱. مجلسی محمد باقر (۱۱۰۳.ه.ق)، *بحارالانوار*، جلد چهاردهم، انتشارات دارالکتب اسلامیه، باب ۲۷، ۲۵، ۳۴، قم.
۳۲. محمودی سید علی (۱۳۸۵)، *نظریه آزادی در فلسفه سیاسی هابز و لاک*، ص ۱۷، چاپ اول: پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۳۳. موسوی اصفهانی محمدتقی (۱۳۸۰)، *مکیال المکارم*، ج ۱، ص ۱۶۷، چاپ اول: انتشارات برگ شقایق، قم.
۳۴. نیشابوری حاکم (۱۴۱۷.ق)، *مستدرک علی الصحیحین*، جلد ۲، انتشارات دارالحرمین. قاهره.
۳۵. نوری، حسین بن محمدتقی (ق ۱۳۲۰ - ۱۲۵۴)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: موسسه آل البیت (ع)، الاحیاء التراث، ۱۴. ق. = ۱۳۶.
۳۶. واتسون، هلن. (۱۳۸۲)، «زنان و حجاب»، ترجمه مرتضی بحرانی. *فصلنامه کتاب زنان*، شماره ۲۰، ص ۳۰۹-۳۳۰.
۳۷. اولین رید (۱۳۸۰)، *آزادی زنان، مسائل، تحلیل ها و دیدگاه ها*، ترجمه افشنگ مقصودی، چاپ اول: نشر گل آذین، تهران.

38. Glenn Kessler (March 3, 1015). *The zombie statistic about women's share of income and property*. The Washington Post . Retrieved May 3, 2020.

39. America, 1967–1975. *Minneapolis: University of Minnesota Press*. ISBN 978-0-8166-1787-6.

40. Roberts, Jacob (2017). *Women's work*. Distillations. Vol. 3, no. 1. pp. 6–11. Retrieved 22 March 2018.

41. Messer-Davidow, Ellen (2002). ***Disciplining Feminism: From Social Activism to Academic Discourse***. Durham, NC: Duke University Press. ISBN 978-0-8223-2843-8.
42. hooks, bell (2000). ***Feminism is for Everybody: Passionate Politics***. Cambridge, Massachusetts: South End Press. ISBN 978-0-89608-629-6.
43. Chodorow, Nancy (1989). ***Feminism and Psychoanalytic Theory***. New Haven, Conn.: Yale University Press. ISBN 978-0-300-05116-2.
44. Gilligan, Carol (1977). ***In a Different Voice: Women's Conceptions of Self and of Morality***. Harvard Educational Review. 47 (4): 481–517